

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات شاهرود

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: روانشناسی بالینی

عنوان:

بررسی نوع هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حسن اسدزاده

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر نورعلی فرخی

نگارش:

مینو ظفرمند کاشانی

تابستان ۱۳۹۳



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات شاهرود

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: روانشناسی بالینی

عنوان:

بررسی هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر

نگارش:

مینو ظفرمند کاشانی

تابستان ۱۳۹۳

توسط اساتید

امضا شود

۱-

۲- هیات داوران :

۳-

۴-



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بیامری از خداوند بجان و اعتماد بر این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر بر اهمیت جایگاه دانشگاه در اعلامی فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیات علمی واحد های دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخلفی نکنیم:

۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان سازی حقیقت.

۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.

۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن بهیتر و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از حرکت جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهاد های مرتبط با تحقیق.

۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب تقد و خودداری از حرکت حرمت شکنی.

۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشتهار نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۹- اصل برانست: التزام به برانست جویی از حرکت رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شبهه های غیر علمی می آلائند.



دانشگاه آزاد اسلامی

پدیس تحصیلات تکمیلی علوم و تحقیقات شاهرود

تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

اینجانب مینو ظفرمند کاشانی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته روانشناسی بالینی که در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۷ از پایان نامه / رساله خود تحت عنوان بررسی هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر با کسب نمره ۱۷ و درجه خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم :

- ۱) این پایان نامه / رساله حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه / رساله قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه یا رساله را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

تقدیم به

سه وجود مقدس

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانائی برسیم

موهایشان سپید شد تا ما رو سپید شویم

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند

پدرانمان

مادرانمان

استادانمان

و تقدیم به عشق زندگی ام مهندس علیرضا مجلسی

سپاسگزاری

بنام خدائی که آفرید جهان را ، انسان را ، عقل را ، علم را ، معرفت را و عشق را .
سپاسگزار کسانی هستم که سرآغاز تولد من هستند، از یکی زاده می شوم و از دیگری جاودانه.
استادی که سپیدی را بر تخته ی سیاه زندگیم نگاشت و مادری که تار موئی از او به پای من سیاه
نماند. تقدیم به مقدس ترین واژه ها در لغتنامه دلم، مادر مهربانم که زندگیم را مدیون مهر و
عطوفت ایشان می دانم. پدر ، مهربانی مشفق ، بردبار و حامی .خواهرم ، همراه همیشگی و
پشتوانه زندگیم. همسر عزیزم علیرضا ، به پاس قدردانی از قلب آکنده از عشق و معرفت که
محیطی سرشار از امنیت ، امید و آرامش و آسایش برای من فراهم آورده است .همدلی که با واژه
نجیب و مغرور تلاش آشنائی دارد و عطر رویایی آن را استشمام کرده و مرا در راه رسیدن به
اهداف عالی یاری می رساند. همو که حس تعهد و مسئولیت را در زندگیمان تلالوئی خدایی داده
است .

عنوان	صفحه
چکیده	۱
فصل یکم : کلیات پژوهش	
۱-۱ مقدمه	۳
۱-۲ بیان مساله	۳
۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق	۷
۱-۴ اهداف تحقیق	۹
۱-۵ سوالهای تحقیق	۱۰
۱-۶ متغیرهای پژوهش	۱۰
۱-۷ تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها	۱۰
فصل دوم : ادبیات پژوهش	
۲-۱ تعریف نوجوانی	۱۳
۲-۲ مفهوم هویت	۱۵
۲-۳ رویکردها در نظریه پردازي هویت	۱۶
۲-۳-۱ رویکرد مدرن	۱۶
۲-۳-۲ نظریه جامعه شناسان	۱۷
۲-۳-۳ نظریه های روانشناسان	۱۸
۲-۴ نظریه های هویت	۱۹
۲-۴-۱ نظریه اریکسون	۱۹
۲-۴-۲ نظریه مارسیا	۲۱
۲-۴-۳ دیدگاه کگان	۲۴
۲-۴-۴ نظریه برزونسکی	۲۵
۲-۵ تفاوت‌های دختران و پسران در فرایند هویت یابی	۲۷
۲-۶ تاثیر پدر و مادر بر هویت یابی	۲۹
۲-۷ تحقیقات انجام شده	۳۴
فصل سوم : روش پژوهش	
۳-۱ طرح پژوهش	۴۰
۳-۲ جامعه آماری	۴۰
۳-۳ روش نمونه گیری و نمونه آماری	۴۰
۳-۴ ابزارهای پژوهش	۴۱
۳-۵ روش انجام پژوهش	۴۱
۳-۶ روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۴۲

فصل چهارم : تجزیه و تحلیل داده ها

- ۴-۱ توصیف داده ها ۴۴
- ۴-۱-۱ توصیف متغیرهای جمعیت شناسی ۴۴
- ۴-۲ تحلیل یافته های تاییدی و استباطی ۴۵

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

- ۵-۱ بحث و نتیجه گیری ۵۲
- ۵-۲ محدودیت های تحقیق ۵۷
- ۵-۳ پیشنهاد های پژوهشی ۵۷
- منابع ۵۹

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نوع هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر دوره ی متوسطه منطقه ۵ تهران بود که در زمان انجام پژوهش (۹۳-۱۳۹۲) در مدرسه به تحصیل اشتغال داشتند. ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) از دانش آموزان مقطع دبیرستان از میان جامعه آماری با استفاده از روش نمونه گیری چند مرحله ای (تصادفی و در دسترس) به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه هویت بینسون و آدامز OMEIS و پرسشنامه ی اطلاعات جمعیت شناختی استفاده گردید. داده های پژوهش با استفاده از روش های آمار توصیفی (میانگین و پراکندگی) و استنباطی (به منظور تعیین میزان تفاوت وجود یا عدم وجود پدر بر روی نوع هویت کسب شده آزمودنی ها و تفاوت آن در میان پسران و دختران از تحلیل واریانس دو راهه استفاده شد) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده ها به وسیله SPSS انجام پذیرفت. نتایج حاکی از وجود تفاوت معنی دار آماری در بین نحوه اکتساب هویت آزمودنی ها در سطح ($P=0/001$) بود و لذا فرضیه تحقیق مبنی بر وجود تفاوت در نوع هویت اکتسابی افراد ناشی از وجود یا فقدان پدر تایید گردید. نتایج نشان دادند که بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر در کسب هویت موفق تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارتی در نوجوانان دارای پدر هویت موفق و معوق بیشتر رخ می دهد. همچنین بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر در هویت زودرس و مغشوش نیز تفاوت معنادار وجود داشت و در نوجوانان فاقد پدر این دو نوع اکتساب هویتی بیشتر بود. نتایج تحلیل داده ها در بخش تفاوت های جنسیتی نشان داد که بین نوجوانان دختر و پسر فاقد پدر در هویت موفق تفاوت معنادار وجود دارد. به عبارتی در دختران فاقد پدر هویت موفق و معوق بیشتر رخ می دهد، در حالیکه در پسران فاقد پدر هویت زودرس و هویت مغشوش بیشتر از دختران وجود دارد.

فصل اول

کلیات طرح پژوهش

۱-۱- مقدمه

رفتارهای اجتماعی انسان از آغاز تولد امری حیاتی و مورد توجه ازدیدگاه دانشمندان، روان شناسان، جامعه شناسان و علمای دین بوده است. انسان وقتی یک گام در جهت رشد شخصیت خود برمی دارد، نیازهای اجتماعی از قبیل؛ نیاز به توجه، نیاز به تعلق داشتن و نیاز به تحسین و محبت از خود نشان می دهد. با توجه به تاثیری که دوران نوجوانی در شخصیت و سلامت جسمانی و روانی دوران بزرگسالی دارد، توجه به این دوران دارای اهمیت فراوانی است. تربیت نوجوانانی سالم، کارآمد و موفق آرزوی قلبی تمامی والدین است. خانواده ها دوست دارند تا جایی که می توانند، به رشد سالم فرزندان خود کمک کرده، آینده ای روشن و شخصیتی سالم را برای آن ها رقم بزنند. بر این اساس لازم است که خانواده ها تا حد امکان با عوامل موثر بر سلامت جسمانی و روانی فرزندان آشنا شده، موانع احتمالی را بشناسند و اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.

۱-۲- بیان مسأله

خانواده به عنوان یک گام مهم، اهمیت ویژه ای در دوران مختلف رشد به ویژه در دوران نوجوانی جلوه گر می کند و در صورتیکه والدین نتوانند به دلایل مختلف از عهده ی رفع نیازهای کودک و نوجوان برآیند، تأثیرات نامطلوبی را در تداوم زندگی آنان برجای می گذارند. این تأثیرپذیری زمانی بیشتر می شود که والدین به عنوان الگوهای رفتاری کودکان و نوجوانان، به دلایل مختلفی چون بزهکاری، اعتیاد، سوءرفتار، بیماری صعب العلاج، مسایل اخلاقی و زندانی شدن، صلاحیت خود را به لحاظ ارزشی و الگویی نزد فرزندان از دست بدهند. در خانواده های دچار غیبت پدر، مادر مجبور می شود که وظایف اجرایی، تربیتی و هدایتگرانه را در خانه به عهده گیرد تا فرزندان دچار کمبود نشوند. این خانواده ها بتدریج به صورت یک خانواده ی تک والدی متبلور شده و عوارض عدم حضور پدر را متحمل می شوند. در این خانواده ها فرزندان به دلیل کمبود حضور پدر از عوارضی چون ضعف در رشد هوشی، رشد شناختی، افت تحصیلی، ناسازگاری اجتماعی، اشکال در هویت یابی جنسی و گرایش به بزهکاری رنج

¹ Park

می برند چنانچه پدرسن^۱ و همکارانش (۱۹۹۶) با استفاده از مقیاس های بیلی^۲ برای رشد کودکان (شاخص وضعیت شناختی کودکان) به مقایسه ی این عامل در خانواده های با حضور پدر و خانواده های با پدران غایب پرداخت. نتایج نشان داد کودکانی که با پدران خود تماس بیشتری دارند در شاخص های مربوط به رشد شناختی نمرات بیشتری را کسب نمودند.

مطالعات همچنین نشان می دهد که کودکان متعلق به خانه هایی که پدر در دسترس نیست ممکن است در الگویابی جنسی دچار اختلال شوند. گاهی پسرانی که از پدرانشان جدا شده اند الگویی می یابند که مردانگی جبرانی^۳ خوانده می شود.

در این الگو پسر به گزاف از خود دلیری های مردانه نشان می دهد و گاه رفتار زنانه مثل وابستگی در آن ها دیده می شود. نزد بزهکاران این رفتار ترکیبی است خیره کننده از خشونت و سکس که همزمان با رفتارهای توأم با وابستگی همراه است. این حالات شاید نسبت بالای عدم حضور پدر در خانه کودکان بزهکار را توجیه کند (جانسن، ۱۹۶۳، به نقل از پارک^۴، ۱۹۷۹).

پدران همچنین بر الگویابی جنسی دختران خود اثر می گذارند. تحقیقات نشان می دهد که بین کناره گیری از فرزند و در دسترس نبودن او برای فرزندان دختر، با مشکلاتی که این دختران در روابط پایدار با جنس مخالف پیدا می کنند رابطه وجود دارد (شافر، ۱۹۷۷، به نقل از پارک، ۱۹۷۹).

ایجاد یک هویت و دست یابی به تعریفی منسجم از خود، مهم ترین جنبه ی رشد روانی-اجتماعی در دوره ی نوجوانی است. انتخاب ارزش ها، باورها و هدف های زندگی مشخصه های اصلی این هویت را تشکیل می دهند. اولین روان شناسی که ایجاد هویت را به عنوان مهم ترین عامل پیشرفت شخصیت در دوره ی نوجوانی مطرح کرد و آن را گامی حیاتی در جهت وصول به بزرگسالی شادمانه و مولد معرفی نموده، "اریک اریکسون" است. به نظر وی هویت عبارت است از: افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می گذارد. هویت شخصی فردی یک سازه و ساختار روانی اجتماعی است.

اریکسون (۱۹۵۰) که درصدد تلفیق روان تحلیل گری با جامعه شناسی کلاسیک است، اعتقاد دارد که رشد شخصیت در چارچوب هشت مرحله روان شناختی رو به کمال می رود. یک مرحله اساسی که بین دوره های نوجوانی و بزرگسالی قرار دارد، مرحله رشد احساس هویت است؛ احساسی که به فرد می گوید کیست و در برابر جامعه بزرگسالان چه جایگاهی دارد. اریکسون معتقد است که مشکل هویت نوعاً زمانی برطرف می شود که جوان ایدئولوژی (نگرش سیاسی - مذهبی یا تاریخی) را بپذیرد.

از نظر اریکسون بذر هویت در همان سال اول زندگی ریخته می شود و در مراحل بعد رشد می کند اما در جایی که خود را بسیار پررنگ و به شکل یک بحران نشان می دهد، سالهای بلوغ یعنی در نوجوانی

¹ -Pedersen

² -Bayley scales

³ -Compensatory masculinity

است. در همین راستا مارسیا^۱ (۱۹۹۳) که از دانشجویان اریکسون بود، پرسشنامه ای را برای تشخیص هویت افراد طرح ریزی کرد. وی توانست هویت در نوجوانی را با به کارگیری مصاحبه های بالینی به ۴ وضعیت تقسیم نماید، شامل:

هویت موفق^۲: افرادی که بحران هویت را پشت سر گذاشته اند. مواضع فکری خاص خود را دارند و آن دسته از ارزش های مذهبی و سیاسی خانواده که با هویت شان همخوان نبوده را کنار گذاشته اند.

هویت زودرس^۳: افرادی که ظاهراً بحران هویتی ندارند. آن ها بی چون و چرا ارزش های نسل خود را پذیرفته اند و نمی توانند بین اهداف خود و خانواده شان تفاوتی قائل شوند. رابطه ی عاطفی و تبعیت آنان از خانواده به قدری قوی است که به اسارت نزدیک تر است.

هویت معوق^۴: افرادی که در حال تجربه کردن بحران هویت هستند و هنوز بین علایق خود و برنامه های والدین تعارض دارند و فعالانه می کوشند این بحران را پشت سر بگذارند.

هویت مغشوش^۵: افرادی که چه بحران هویت را پشت سر گذاشته، چه نگذاشته باشند، به هر حال مفهوم یکپارچه ای از خود ندارند. آنها بخصوص در بخش عمل می لنگند. مانند کسی که ابراز می دارد مسیحی است اما اعمال این دین را انجام نمی دهد.

در دوره بلوغ نوجوان می خواهد هویت فردی خود را جدا از هویت خانوادگی بنا کند. اریکسون بر این باور بود که بحران هویت، بخش طبیعی و جدایی ناپذیر رشد روانی سالم است. به نظر او فرد در این بحران می کوشد تا با امتحان کردن ارزش های مختلف و احتمالاً تلفیقی از آنها به درک یکپارچه ای از خود برسد. اریکسون می گوید هویت از دو منبع سرچشمه می گیرد: تایید یا رد آنچه فرد در کودکی با تقلید از والدین به آن دست یافته و موقعیت تاریخی اجتماعی خاصی که نوجوان در آن قرار دارد (اریکسون، ۱۹۶۸).

در جوامع مدرن و پیشرفته این بحران هویت پیچیده تر است. از طرفی امکانات و سبک های زندگی نامحدودی در محیط وجود دارد که فرد می تواند آن ها را آزمایش کند. از طرفی دیگر برخلاف جامعه های سنتی که فرد نوجوان هویت شغلی، جنسی و جهان بینی اش را به یک باره در بلوغ کسب می کند (مثلاً قبایل سرخپوست). در جوامع شهری این دستیابی ها مطابق نیستند. یعنی نوجوان ممکن است به هویت جنسی دست پیدا کرده باشد، یعنی تصویر روشنی از جنسیت خود داشته باشد اما به

^۱ - Marcia

^۲ - Successful identity

^۳ - Early identification

^۴ - Deferred identity

^۵ - Identity confusion

هویت شغلی دست نیافته باشد. در بهترین شرایط بحران هویت باید در ۲۰ تا ۲۵ سالگی حل شود تا فرد بتواند مسائل مرحله‌های بعد را حل کند (فیض درگاه، ۱۳۷۶).

خانواده و اعضای آن در هویت و مشکلات آن نقش اساسی بازی می‌کنند نوجوانانی که دچار پراکندگی هویت می‌شوند، غالباً افرادی هستند که از سوی والدین خود مورد بی‌توجهی قرار گرفته و یا طرد شده‌اند. از طرف دیگر وقتی نوجوان وابستگی شدیدی به والدین خود داشته باشد و از فرامین آنها بدون چون و چرا پیروی کند، فردی مطیع و فرمانبردار خواهد شد. تنها زمانی که نوجوان اجازه ابراز وجود و اثبات فردیت خود را داشته باشد و بتواند افکار خود را - هر چند که مخالف نظرات والدینش - باشد بیان کند از هویت سالم و مستقلی برخوردار خواهد شد (ریچ و شاتر^۱، ۲۰۱۱).

به طور کلی، اعتماد به نفس کودکان ناشی از نگرش والدین آنهاست. بهترین محیط برای پرورش احساس «خودبستگی» و کفایت، ایجاد فضایی گرم و صمیمی است تا والدین هم به رفتارهای مسئولانه پاداش دهند و هم کودکان را برای تصمیم‌گیری‌های مستقلانه تشویق کنند. بدیهی است هر چه کودکان و نوجوانان بتوانند به احساس لیاقت و شایستگی بیشتری دست یابند، از خودپنداره‌ی قوی‌تر و اعتماد به نفس بالاتری برخوردار خواهند شد (تورکبای، ازکان، دوروک و اوزون^۲، ۲۰۰۵).

آنان از طریق جمع‌بندی معیارها و ارزش‌های والدین، مربیان و سایر بزرگسالان محیط خود، سعی می‌کنند تصویری یکپارچه از خویشتن به دست آورند. هر چه ارزش‌های عنوان شده هماهنگ‌تر باشد، کودکان نیز به همان نسبت هویت خود را راحت‌تر کشف خواهند کرد و بالعکس. زمانی که ارزش‌ها و معیارهای والدین با مربیان هماهنگ و همسان نباشد، کودک دچار «سردرگمی نقش» می‌شود و نمی‌تواند هویت واحدی برای خود پیدا کند (ریچ و شاتر، ۲۰۱۱).

والدین و مربیان می‌توانند کمک شایان توجهی به نوجوانان در جهت مستقل شدن، اتکاء به خود و کشف هویت بکنند. نوجوانانی که مورد بی‌اعتنایی و بدرفتاری والدین خود قرار می‌گیرند، در اعتماد کردن به دیگران و ایجاد رابطه‌ی عاطفی سالم و پایدار، دچار مشکل هستند. این گروه از نوجوانان زمانی که رابطه‌ای برقرار می‌کنند با کوچک‌ترین ناملاامت و ناکامی دچار یأس و افسردگی می‌شوند (تورکبای و همکاران، ۲۰۰۵).

نتایج مطالعات مختلف پژوهشی نیز از نقش بارز والدین در شکل‌گیری هویت و بالعکس از عدم حضور آنها در مشکلات هویتی بارز و مسلم است. به عنوان نمونه حاجیلو و همکاران

¹ Rich & Schachter

² Türkbay, Özcan, Doruk & Uzan

(۱۳۹۱) به مطالعه همبسته های هویت یابی فردی در دانش آموزان دختر مقطع متوسطه پرداختند که طی آن عزت نفس، ارتباط با همسالان، گرایش مذهبی، سلامت روان و نفوذ والدین به عنوان همبسته های هویت فردی دانش آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان داد که از روی عزت نفس، ارتباط با همسالان، نفوذ والدین، میزان مذهبی بودن و سلامت روان دانش آموزان می توان هر یک از سطوح هویت یابی را به خوبی پیش بینی کرد .

قائمی فر و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعاتی بر تأثیرات خانواده بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران پرداختند. یافته های این بررسی نشان از همبستگی میان متغیرهای تبعیض جنسیتی، تقسیم کار در خانواده، هرم قدرت در خانواده و پایگاه اجتماعی اقتصادی با متغیر هویت جنسیتی رابطه دارد . بدین ترتیب که هر چه تبعیض جنسیتی شدیدتر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده سستی تر، هرم قدرت در خانواده سستی تر و پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین تر باشد هویت دختران نیز به صورت سستی تر شکل گرفته است.

پورا براهیم و همکاران (۱۳۹۰) بیان می دارند سبک های فرزندپروری بر جنبه های مختلف تحول نوجوان تأثیرگذار است و بدین منظور پژوهشی با هدف تعیین رابطه شیوه های فرزندپروری با سبک های هویت یابی نوجوانان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که شیوه فرزندپروری مقتدرانه به طور معناداری می تواند سبک هویت اطلاعاتی نوجوانان را پیش بینی کند . هم چنین یافته های پژوهش حاکی از آن بود که به طور معنادار شیوه فرزندپروری مستبدانه پیش بینی کننده سبک هویت سردرگم در نوجوانان می باشد. فقدان پدر تنها با فوت اتفاق نمی افتد در تحقیق حاضر به مواردی نظیر نبود یا کمبود پدر به دلیل طلاق و چند همسری نیز پرداخته می شود.

۳-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق

امروزه مساله ی غامض و پیچیده هویت یکی از مشغله ها و دغدغه های فکری بسیاری از متفکران دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دولتمردان و هنرمندان شده است. چالشها ی هویتی امروزه سرنوشت سازند. هویت پیش شرط هر نوع عمل به ویژه عمل اجتماعی و شرط لازم توسعه است. داشتن یک هویت مشخص و مستقل برای افراد یک کشور نه تنها عنصر اصلی زندگی افراد تلقی می شود بلکه به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنی می دهد و آن را از پویایی خاصی برخوردار می نماید. شرط اصلی نیل به توسعه پایدار در یک کشور تربیت نیروی انسانی کارآمد با گرایش های لازم فرهنگی و اجتماعی و می باشد. بنا به نظر لئونارد بایندر^۱ اگر کشوری بخواهد به رشد و توسعه برسد باید پنج بحران را پشت سر بگذارد.

^۱ Leonardo binder

این بحران ها عبارتند از : بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ ، بحران مشروعیت و بحران توزیع. به زعم وی وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی و کشورهای در حال توسعه آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت آمیز بحران های فوق به ویژه بحران هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده اند(صنیع جلال، ۱۳۸۴).

اهمیت و ضرورت شکل گیری هویت در افراد دست اندرکاران را وا می دارد که با دقت نظر، اعمال حساسیت های لازم را با اتخاذ روشهای مناسب برای ایجاد آگاهی و حس تعلق در انواع هویت در نوجوانان فراهم آورند و موجب بروز رفتارهای مناسب فردی و اجتماعی در این زمینه شوند. تحقق جامعه ی توسعه یافته مستلزم وجود افرادی است که باورها، گرایش ها و تمایلات لازم را برای پیشرفت و توسعه ی چنین جامعه ای داشته باشند. نوجوانان به عنوان سرمایه های اساسی جامعه تعیین و تسهیل کننده فرایند توسعه پایدار در همه مقوله های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهند بود (امیری، ۱۳۸۷). از طرفی دیگر کسب باور صحیح و به دور از کمترین خطای شناختی و گرایش های سالم و تمایلات کارآمد مستلزم دارا بودن یک حس نسبتا پایدار و منسجم نسبت به اینکه من که هستم و که باید باشم است. جامعه ای که در درون خود مملو از فرزندان باشد که بتوانند به این سوال پاسخ بدهند از هویت فردی، جمعی و ملی غنی برخوردار خواهند بود. به نظر مارسیا نوجوانان طی دوران طولانی نوجوانی با مسائل مختلف روبه رو می شوند. به نظر مارسیا برای نوجوانان در دوره اولیه این مرحله، ویران سازی بسیار فشرده بوده و برخی دیگر ناراحتی کمتری را تجربه می نمایند. درجه ناراحتی احتمالا بستگی به آن دارد که نوجوانان در هر زمان تا چه حد با تغییر روبه رو می گردند.

به نظر مارسیا نوجوانان باید آماده خطرپذیری بوده و تحت شرایط عدم قطعیت زندگی کنند. علت عدم قطعیت نوجوانان این است که در طی کاوشگری خود با عقاید و دیدگاه هایی مواجه می شوند که با عقاید والدین آنها که قبلا آن را پذیرفته بودند متفاوت است. در واقع آبشخور بسیاری از این عدم قطعیت ها ناشی از جستجوی احتمالات و عقایدی است که متفاوت از عقاید والدین شان می باشد. بسیاری از نوجوانان این موضوع را خطرناک می دانند و تنها تعداد اندکی از آنان هستند که پیامدهای چنین خطراتی را می پذیرند. به نظر می رسد که نوجوانان مراحل حساسی برای گذر از بحران هویت به سمت کسب هویت دارند و نقش والدین در این مراحل مهم جلوه می نماید.

مشاهده می گردد که داشتن هویت مناسب در هر جامعه ای لازم و ضروری می باشد. بنابراین دستیابی و شناسایی مولفه های تقویت کننده هویت نوجوانان اهمیت پژوهشهای مربوط را برجسته می نماید.

همانگونه که در بالا اشاره شد بحث هویت به ویژه در نوجوانی، مسئله‌ی حائز اهمیت است. نوجوان در این دوره از خانواده فاصله گرفته و نقش والدین تا حدودی کم‌رنگ خواهد شد، درحالی‌که والدین آگاه می‌توانند در عبور موفق از این بحران کمک شایانی به نوجوان نمایند و البته بدین دلیل که در تحقیقات قبلی و کلا منابع متعدد در دست، کمتر به نقش پدر در ارتباط و تاثیرگذاری بر فرزندان پرداخته شده، بنابراین اهمیت این پژوهش را دوچندان نمود.

اگرچه درباره‌ی نوع هویت پژوهش‌هایی انجام شده است، ولی بررسی این متغیر در ارتباط با اهمیت وجود یا فقدان پدر در نوجوانان و مقایسه آن در جنس دختر و پسر در نوع خود موضوع جدیدی است.

۴-۱- اهداف تحقیق

اهداف کاربردی: به کارگیری نتایج این تحقیق توسط مراکز مشاوره ازدواج و خانواده و نیز رسانه‌ها در جهت آموزش خانواده‌ها در تحقیقات و منابع متعدد موجود، کمتر به نقش پدر و تأثیرگذاری آن بر نوع هویت فرزندان پرداخته شده و با رشد روزافزون آمار طلاق در جامعه‌ی ما این تحقیق می‌تواند برای آموزش خانواده‌ها و زوج‌ها و نیز استفاده از سوی رسانه‌های جمعی مفید واقع شود.

هدف اصلی: شناسایی نوع هویت در نوجوانان دختر و پسر واجد و فاقد پدر.

اهداف فرعی:

- ۱- تعیین تفاوت هویت موفق بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر.
- ۲- تعیین تفاوت هویت زودرس بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر.
- ۳- تعیین تفاوت هویت معوق بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر.
- ۴- تعیین تفاوت هویت مغشوش بین نوجوانان دارای پدر و فاقد پدر.
- ۵- تعیین تفاوت هویت بین نوجوانان دختر و پسر در عامل وجود یا فقدان پدر.
- ۶- تعیین تفاوت بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت موفق.
- ۷- تعیین تفاوت بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت زودرس.
- ۸- تعیین تفاوت بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت معوق.
- ۹- تعیین تفاوت بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت مغشوش.

۵-۱- سؤال های تحقیق

۱. سؤال اصلی:

آیا از نظر هویت (موفق، زودرس، معوق و زودرس) در نوجوانان واجد پدر و فاقد پدر تفاوت وجود دارد؟

۲. سؤال های فرعی:

- ۱- آیا بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت موفق تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت زودرس تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت معوق تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۴- آیا بین نوجوانان دختر و پسر در عامل نوع هویت مغشوش تفاوت معناداری وجود دارد؟

۶-۱- متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل:

- ۱- عامل پدر (فقدان و عدم فقدان)
- ۲- جنسیت (مذکر-مونث)

متغیر وابسته:

هویت دارای ۴ سطح:

- ۱- هویت موفق
- ۲- هویت مغشوش
- ۳- هویت معوق
- ۴- هویت زودرس

۷-۱- تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها:

الف) تعاریف نظری

هویت: هویت در معنای کلمه هستی و آنچه موجب شناسایی می شود (فرهنگ معین)، حقیقت شی یا شخصی که مشتمل بر صفات واقعی و ذاتی او باشد (فرهنگ عمید)، در مطالعه ی شخصیت، خود

اساسی و مستمر فرد، مفهوم درونی و ذهنی از خویش به عنوان یک شخص است (فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی معاصر) و دستیابی به تعریف منسجمی از خود و انتخاب ارزش ها، باورها، هدف های زندگی مشخص مولفه های اصلی هویت را تشکیل می دهند (اریکسون، ۱۹۶۸).

هویت موفق: افرادی که بحران هویت را پشت سر گذاشته اند. مواضع فکری خاص خود را دارند و آن دسته از ارزش های مذهبی و سیاسی خانواده که با هویت شان همخوان نبوده را کنار گذاشته اند.

هویت زودرس: افرادی که ظاهراً بحران هویتی ندارند. آن ها بی چون و چرا ارزشهای نسل قبل از خود را پذیرفته اند و نمی توانند بین اهداف خود و خانواده شان تفاوتی قائل شوند. رابطه ی عاطفی و تبعیت آنان از خانواده بقدری قوی است که به اسارت نزدیکتر است.

هویت معوق: افرادی که در حال تجربه کردن بحران هویت هستند و هنوز بین علایق خود و برنامه های والدین تعارض دارند و فعالانه می کوشند این بحران را پشت سر بگذارند.

هویت مغشوش: افرادی که چه بحران هویت را پشت سر گذاشته چه نگذاشته باشند، به هر حال مفهوم یکپارچه ای از خود ندارند. آنها بخصوص در بخش عمل می لنگند. مانند کسی که ابراز می دارد مسیحی است اما اعمال این دین را انجام نمی دهد (مارسیا، ۱۹۹۳).

نوجوانی: دوره ای از رشد حد فاصل کودکی و جوانی که محدوده ی سنی ۱۰ الی ۱۸ سال عنوان کرد. بسیاری از روان شناسان بنام این دوره را دوره ی بحرانی نامیده اند و قسمت عمده ی هویت در این مرحله شکل می گیرد (برک، ۱۳۸۳).

نوجوانان واجد و فاقد پدر: وجود پدر به معنای حضور متعادل و به نسبت مؤثر پدر در جمع خانواده و فقدان به معنای عدم حضور مؤثر پدر بنابر هر دلیلی نظیر فوت، طلاق، چند همسری است و بطور کلی کمبود یا نبود پدر در خانواده را شامل می شود.

ب) تعاریف عملیاتی

هویت: در مطالعه حاضر، نوع هویت براساس پاسخ افراد به پرسشنامه ی هویت بینسون و آدامز OMEIS مشخص می شود.

نوجوانی: در مطالعه حاضر نوجوانی شامل دانش آموزان سنین ۱۲-۱۵ سال می باشد.

نوجوانان واجد و فاقد پدر: در مطالعه حاضر، واجد و فاقد پدر از طریق سوالی در پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی به دست می آید.